

توسعه پایدار یا سود سرمایه

پیران آزاد

اگر در سال ۱۹۹۲ بعد از اجلاس ریودوژانیرو در مورد تصمیم‌های آن کنفرانس برای بهبود شرایط زندگی بر روی زمین، چند و چون می‌کردی، شاید کسی آن را جدی نمی‌گرفت. در «اجلاس زمین» در ریودوژانیرو که سازمان ملل بانی آن بود سران بزرگ‌ترین کشورهای سرمایه‌داری و سران اغلب کشورهای حاشیه‌ای گردآمدند و برای حفظ محیط زیست، مبارزه با فقر و تأمین زندگی انسانی ساکنان زمین تعهد سپردند. حالا بعد از یک دهه که در گزارش‌های سازمان ملل در باره توسعه با عنوان سال‌های از دست رفته از آن یاد می‌شود، به آسانی می‌توان دید و گفت که آن تعهدها چیزی جز «پوچ» نبوده است. فقر و نابرابری آن‌چنان پیش رفت که همه تولید ناخالص کشورهای زیر صحرا در آفریقا، به جز آفریقای جنوبی، از ثروت ۱۵۰ ثروت‌مندترین افراد جهان کم‌تر شد. دیگر بحث مقایسه «دهک»‌های جمعیتی نیست، صحبت از میلیاردها نفر در برابر دو صد نفر است! وضعیت آب و هوایی زمین به چنان حدی از فاجعه نزدیک شد که دیگر امریکا و شرکت‌های نفتی توانایی تبلیغاتی خود را علیه تأثیر گازهای ناشی از سوخت فسیلی در گرم کردن زمین از دست داده‌اند. آن‌ها تلاش می‌کردند به کمک به اصطلاح پژوهش‌های سفارش شده و تبلیغاتی خود این نظر را مطرح کنند که گرم شدن زمین و تغییرات فاجعه‌بار آب و هوایی ربطی به گازهای ناشی از سوخت فسیلی ندارد. دیگر موضوع‌های مورد بحث اجلاس ریو هم همین عاقبت را پیدا کردند و به همین دلیل همه این مسائل با ابعاد گسترده‌تر خود در دستور «اجلاس توسعه پایدار» در ژوهانسبورگ قرار گرفتند.

در اجلاس ژوهانسبورگ که از ۲۶ اوت تا ۴ سپتامبر ۲۰۰۲ برگزار شد و بزرگ‌ترین کنفرانس تمام تاریخ سازمان ملل بود، سه موضوع اصلی در دستور کار بود: فقر و نابرابری بین کشورهای توسعه‌یافته سرمایه‌داری و کشورهای در حال توسعه و حاشیه‌ای، مسئله انرژی و جایگزینی انرژی آلوده‌ساز فسیلی با انرژی پاک‌تر، مسئله آب و تأمین آب پاکیزه و شرایط بهداشتی برای دو میلیارد از ساکنان زمین. موضوع‌های دیگر که به مسائل فوق وابسته‌اند نیز هم چون اجلاس ریو در دستور بود. مانند حفظ جنگل‌های حاره‌ای، حفظ انواع حیاتی و غیره.

در اجلاس ریو و تعهدات بعد از آن قرار بود کمک‌های مستقیم کشورهای پیش‌رفته سرمایه‌داری به کشورهای حاشیه‌ای به میزان هفت دهم درصد از تولید ناخالص داخلی کشورها پیش‌رفته باشد و تعادل توازن تجاری با کاهش سوبسید این کشورها به محصولات صادراتی کشاورزی این کشورها به نفع کشورهای حاشیه‌ای تغییر کند. هیچ‌کدام از این نوع تعهدها عملی نشد. بر عکس توازن تجاری هر چه بیش‌تر به ضرر حاشیه‌ای‌ها شد و بدهی‌ها بالاتر رفت. و باسیاست‌های بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول در جهت خصوصی‌سازی هرچه بیش‌تر اقتصاد کشورهای حاشیه‌ای و کاستن از هزینه‌های عمومی در بخش آموزش و بهداشت، شرایط زیست مردم این کشورها سقوط کرد. در اجلاس ژوهانسبورگ، این موضوع که حادث‌ترین بحث‌ها و اعتراض‌ها را برانگیخت، هیچ برنامه عملی و مشخص تصویب نشد و حرف‌ها و وعده‌ها با آن‌چه که باید باشد فاصله بسیار داشت. اگر امتناع آمریکا یعنی بزرگ‌ترین اقتصاد جهان در برداشتن گام‌های عملی، سخن‌رانی کالین پاول وزیرخارجہ آمریکا را با هو و اعتراض شرکت‌کنندگان در سالن اصلی کنفرانس روبه‌رو کرد، وعده‌های اروپائی‌ها هم که ژست هم‌راهی با کشورهای حاشیه‌ای را می‌گرفتند چیز قابل توجهی نبود. ژاک شیراک وعده داد که تا سال ۲۰۱۰ میزان کمک‌های مستقیم به هفت دهم درصد برسد. تونی بلر از یک میلیارد دلار برای کمک به آفریقا صحبت کرد. یعنی چیزی حدود یک‌دهم آن‌چه که در تعهد داشت.

شاید جنجالی‌ترین بحث‌ها در باره مسئله انرژی بود چرا که سیاره زمین به دلیل تغییرهای آب و هوایی با فاجعه روبه‌روست. آمریکا و شرکت‌های نفتی دست در دست کشورهای اوپک، شرورهای بودند که در هر برنامه‌ای در این مورد کارشکنی کردند. تعهدهای اجلاس ریو در سال ۹۲ با پی‌گیری و مبارزه جنبش طرف‌داران محیط زیست و سازمان‌های غیردولتی منجر به قراردادهای مصوب کنفرانس کیوتو در سال ۱۹۹۷ شد که با کاهش تولید این گازها بر آن بود که حجم تولید گازها تا سال ۲۰۱۰ در حد سال ۱۹۹۵ ثابت بماند. آمریکا که هم انرژی ارزان می‌خواهد و هم بر آن است که حریف اروپائی را به

انرژی نفت وابسته نگه دارد از این قرارها کناره گرفت و با آن مخالفت کرد و بالاخره هم در کنفرانس بن در سال ۲۰۰۱ از بقیه کشورهای جهان جدا شد و در حقیقت ایزوله گردید. در ژوهانسبورگ نیز با تمام قوا به هم راه اوپک کارشکنی کرد تا منافع شرکت های نفتی هم پایدار بماند.

یک میلیارد نفر از ساکنان زمین به آب آشامیدنی سالم دسترسی ندارند و دو میلیارد نفر شرایط زیستی سالم ندارند. کم آبی در خاورمیانه، آفریقا و آسیای جنوبی بی داد می کند. در این شرایط آن چه که به طور عملی در حال اتفاق افتادن است، به وجود آمدن یک رشته تجاری پرسود برای شرکت های سرمایه گذاری آب است. در ژوهانسبورگ در این باره بسیار گفته شد و بازهم بدون برنامه عملی، در حد وعده ماند. وعده برای کاهش یک میلیارد کسانی که آب سالم ندارد و به نصف در طول ۱۰ سال آینده!

راستی چرا چنین است؟ حالا بعد از یک دهه که از اجلاس ریو گذشته و اجلاس ژوهانسبورگ هم همه آن هایی را که به راستی دل در گرو "توسعه پایدار" بر روی زمین دارند، ناامید کرده، و پرسیدنی است که آیا توسعه پایدار امکان دارد؟ توسعه ای که فقر و نابرابری را گسترده نکند بل که آن را از بین ببرد، توسعه ای که تعادل شکننده اکولوژیکی سیاره را بر نزند بل که در هم آهنگی با قوانین طبیعی و اکولوژیک زمین، محیط زیست را پایدار و زنده نگه دارد. اگر چه این سؤال شاید پاسخ سهل و سریعی نیابد. اما یک واقعیت بیش از همیشه خودنمایی می کند و آن این که تا کار جهان بر این روال است که تاکنون بوده، خبری از توسعه پایدار نخواهد بود. روال کار جهان بر چیست؟ همه فعالیت های تولیدی و اقتصادی بر یک محور می چرخد. و آن هر چه بالابردن سود سرمایه است. مبنای هر کاری بر رقابت برای پیشی گرفتن از دیگری و تأمین بالاترین نرخ سود است. و برای آن، همه صاحبان سرمایه و اقتصاد در پی به کارگرفتن ارزان ترین منابع طبیعی با شدت هر چه بیشتر و پرداخت هزینه ی هر چه کم تراند. اگر چنین نکنند در مناسبات سرمایه داری، کلاه شان پس معرکه است. در چنین حالی آیا سود سرمایه مجال می دهد که پرداخت هزینه ها در جهت فقرزدایی باشد؟ رقابت و سود، با منابع محدود طبیعت و تعادل شکننده اکولوژیکی کنار می آید؟ حفظ شرایط زیست بر روی سیاره و از بین بردن نابرابری ها، با گسترده ترین هم کاری و هم آهنگی در سطح جهانی ملازمه دارد. این هم کاری و هم بستگی که با طراحی یک سیستم برنامه ای بر مبنای منافع زیست انسان و محیط زیست اش امکان پذیر است، با رقابت و سودجویی و افسار گسیختگی اقتصاد سرمایه داری خوانائی ندارد.

روند بهبودی شرایط زیست انسان و محیط زیست او با مداخله و مبارزه فعال پیش می رود. این روند در عین جهانی بودن، در عمل مشخص در محیط زندگی های مشخص شکل می گیرد برای حفظ محیط زیست در طبیعت نمی توان منتظر هیچ معجزه ای نشست. هر روز که بگذرد دیر است. هر کس در هر گوشه جهان مسئول پیش روی این روند است. در کشور ما، هم اکنون مناسبات سرمایه داری شتاب گرفته و در مرحله ای است که صاحبان اقتصاد و حکومت مستبد آن ها، با شعار "هزینه کم تر سود پیش تر" می دوند. جلوگیری از تخریب در هر گوشه و کنار مملکت به همان ترتیب در دستور کار همه کسانی است که به زندگی انسان می اندیشند و نه به پرکردن کیسه های پرنشاندنی صاحبان سرمایه. از طرح های بزرگی چون گاز و نفت پارس جنوبی در عسلویه تا هر واحد کوچک در فلان آبادی می باید زیر نظارت چشمان تیزبین مبارزان برای زندگی باشد. همه ما مسئولیم!